

[کلام محقق اصفهانی در تصویر جامع 1](file:///C:\Users\ARJAN\Downloads\Eitaa%20Desktop\U1mq1_13981114-081_hs2_mfeb.ir%20-%20Copy.docx#_Toc32072922)

[کلام مرحوم صدر در نقد محقق اصفهانی و پاسخ به آن 2](file:///C:\Users\ARJAN\Downloads\Eitaa%20Desktop\U1mq1_13981114-081_hs2_mfeb.ir%20-%20Copy.docx#_Toc32072923)

**موضوع**: کلام محقق اصفهانی /صحیح و اعم /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

مرحوم اصفهانی موضوع له الفاظ عبادات را به نوعی تصویر نمودند که مرحوم صدر به آن اشکالاتی دارد؛ البته این اشکالات بر محقق اصفهانی وارد نیست، بلکه همان گونه که مرحوم صدر نیز محتمل دانسته بودند، می تواند توضیح کلام محقق اصفهانی باشد؛ چرا که مرحوم صدر پس از نقل کلام محقق اصفهانی و اشکالاتی که به ایشان دارند می فرمایند: اگر ایشان تصریح نکرده بودند که جامع مرکب معقول نیست، ممکن بود کلام ما و کلام محقق اصفهانی یکی باشد.

به نظر اشکالات مرحوم صدر مبتنی بر تلقی خطا از صریح کلمات مرحوم اصفهانی است زیرا مرحوم اصفهانی جامع را مرکب تصویر نموده است گویا مرحوم صدر تمام کلمات محقق اصفهانی را ملاحظه نکرده بودند.

# کلام محقق اصفهانی در تصویر جامع

محقق اصفهانی فرمودند: موضوع له لفظ صلاه، ماهیت مبهمه مرکبه اعتباریه است به این توضیح که: ماهیت بر دو قسم است:

قسم اول: ماهیت حقیقی و مقولی \_مانند انسان\_ که ابهام در آنها تنها از ناحیه عوارض ممکن است حتی اگر از عوارض ذاتی باشند، اما در این قسم ابهامی از ناحیه ذات وجود ندارد و ماهیت متعین است؛ مثلا انسان از ناحیه ذات، کاملا روشن است اما عوارض آن مبهم است حتی عوارض ذاتی ماهیت یا وجود نیز مبهم است؛ یعنی عرضیات ماهیت هیچگاه داخل در ماهیت و مفهوم نیست و لذا در مفهوم و ماهیت انسان، ضحک و تعجب لحاظ نشده است؛ هر چند که وجود عرض لازم، ملازم با وجود ماهیت است.

قسم دوم: ماهیت مرکبه اعتباری که گاهی متشکل از حقیقت و مقوله است مانند ترکیب از رکوع و سجود که هر دو از مقوله وضع هستند و گاهی متشکل از حقائق متباین و از مقولات متفاوت است مانند ذکر و رکوع که ذکر، از مقوله کیف مسموع و رکوع از مقوله وضع است.

در این قسم ابهام در اجزای ماهیت است نه به نحو لا بشرط مقسمی و لا بشرط قسمی و یا جمع القیود و نه به نحو جامع عنوانی و یا جامع عنوانی و یا مشترک لفظی و یا تردید و اجمال؛ بلکه صرفا به نحو ابهام در ذات \_ برعکس ماهیت حقیقیه که ابهام به لحاظ اعراض بود\_ یعنی فاقد و واجد امور مختلف، یک ماهیت هستند نه این که نقص در ماهیت یا زیاده بر ماهیت داشته باشند بلکه ماهیت متغیر است . پس همان گونه که نماز دو رکعتی نماز است؛ نماز چهار رکعتی هم نماز است مانند این که مفهوم خانه نیز متغیر و مبهم است؛ زیرا بر خانه چند اتاقه و بر خانه یک اتاقه به یک میزان صادق است و می توان با یک اثر واحد به این ماهیت مبهمه اشاره نمود.

مرحوم صدر نیز در بیان نظر مختار خویش پنج مرحله را بیان نموده و در مرحله پنجم فرض می کنند ماهیت به نحوی باشد که اجزاء بر فرض وجود، داخل در ماهیت بوده و بر فرض عدم خارج از ماهیت باشد مانند بسمله که در شرایط تقیه خارج از ماهیت است و در شرایط عادی، داخل در ماهیت نماز است البته ایشان برای تصویر این مرحله، دو بیان دارند که یک بیان مبتنی بر حصه توأمه و یک بیان به نحوی دیگر است اما محقق اصفهانی این مطلب را به سادگی با عبارت «جامع مبهم» تصویر نموده و مرحوم صدر با تکلف بیان نموده است.

بله این نحوه از ماهیت مبهمه، در ماهیات حقیقیه ممکن نیست و همین نکته است که مرحوم آخوند را به انکار ماهیت متغیره وادار کرده است؛ چرا که در امور حقیقیه ممکن نیست امری در فرض وجود، جزء ماهیت و در فرض عدم، خارج از ماهیت باشد، اما در ماهیات اعتباریه، ابهام به این معنا ممکن است بلکه محقق نیز شده است؛ زیرا نماز و دیگر الفاظ عبادات نیز همین گونه هستند.

سپس محقق اصفهانی کلام ملاصدرا در اینکه « ماهیت تشکیکی در اموری مانند نور و ... متصور است؛ زیرا نور زیاد امری علاوه بر ماهیت ندارد و نور کم نیز امری کمتر از ماهیت ندارد و لذا ماهیت نور ماهیتی تشکیکی و مبهم است» را به عنوان موید بر مدعای خویش ذکر نمودند چرا که اگر ابهام در ماهیت حقیقی متصور است، در ماهیت اعتباری به طریق اولی متصور است.

## کلام مرحوم صدر در نقد محقق اصفهانی و پاسخ به آن

با توجه به آنچه گذشت روشن شد که هیچ اجمال و تردیدی در ماهیت مبهمه وجود ندارد؛ زیرا بر واجد و فاقد منطبق است، و این که مرحوم صدر، احتمال داده است که مراد محقق اصفهانی اجمال و یا تردید در ماهیت باشد، خلاف تصریح کلام محقق اصفهانی است.

همچنین محقق اصفهانی جامع در این فرض را مولف از امور مختلفه و مرکب دانست؛ پس نمی تواند عنوان بسیطی منطبق بر جامع امور مختلفه باشد، همان گونه که گذشت، جامع حقیقی بسیط منطبق بر مرکب نیست و جامع عنوانی مانند عنوان ناهی از فحشا نیز خلاف وجدان و مستلزم مجاز است؛ زیرا صحت حمل شایع دلیل بر حقیقی بودن استعمال نیست؛ بلکه استعمال صلاه به معنای ناهی از فحشا حقیقی نیست در حالی که استعمالات صلاه، مجازی نیستند.

بنابر این جامع در الفاظ عبادات: اعتباری، مرکب و مبهم اما غیر مجمل و غیر مردد است و این تصویر از جامع، طبق قول به صحیح و فاسد تمام است. بنابر این اشکالی که مرحوم صدر به محقق اصفهانی نموده است و کلام ایشان را حمل بر جامع بسیط نموده است خلاف تصریح کلمات ایشان است.

بله محقق اصفهانی تعبیر به ماهیت مرکبه نکرده است، زیرا گاهی اوقات ممکن است ماهیت نماز و... متشکل از امر واحدی مانند نیت باشد و هیچ جزئی نداشته باشد و لذا جامع اعتباری مورد نظر محقق اصفهانی متغیر است و هم می تواند بر نماز یک جزئی \_مثل نمازی که فقط با نیت است\_ و هم بر چند جزئی منطبق باشد؛ پس محقق اصفهانی جامع را در بسیط و مرکب بودن نیز مبهم و متغیر می دانند.

عمده اشکال مرحوم صدر به محقق اصفهانی این است که « مراد از ابهام اگر جامع عنوانی باشد، که واضح است که غلط است و اگر مراد از ابهام اجمال است نیز واضح است که غلط است زیرا هیچ اجمالی در مفهوم نماز نیست.»[[1]](#footnote-1)

اما این اشکال به محقق اصفهانی وارد نیست؛ زیرا محقق اصفهانی تصریح کردند که اراده جامع عنوانی نکرده است و ماهیت مبهمه که مرحوم اصفهانی می گوید نیز مجمل نیست بلکه صدق آن در تمامی موارد واضح است و ماهیت مبهم به معنایی که اجمال داشته باشد هم وضع برای آن غلط است زیرا ما اجمالی در این الفاظ احساس نمی کنیم بلکه مفهوم آنها مبین است و بر اقل و اکثر قطعا منطبق است و لذا عجیب است که مرحوم صدر کلام محقق اصفهانی را حمل بر این معنا نمودند.

بنابر این هیچ اشکالی به محقق اصفهانی وارد نیست؛ بلکه هر چه مرحوم صدر فرموده توضیح برای کلام محقق اصفهانی محسوب می شود نه اینکه اشکال بر محقق اصفهانی باشد، هر چند که مرحوم صدر به عنوان اشکال بر محقق اصفهانی فرموده است.

1. [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج1، ص198.](http://lib.eshia.ir/13064/1/198/معقول) [↑](#footnote-ref-1)